

نصب لوحه کتیبه تعمیر جدید

مزار حضرت سنائی غزنوی رحمته الله تعالی علیه

حضرت حکیم سنائی رح که یکی از عاظم افتخارات کشور ما بلکه تمام مشرق است و کتب متذکره و تاریخ تمام دینا بنام نامی وی و می و شرح و مزین است .

در عمارت قدیمی آن اندک شکست و ریخت رو داده بود ، از آنجا که حکومت اعلی حضرت المتوکل علی الله محمد ظا هر شاه در حفظ احترام و قدر دانی رجال بزرگ و مفاخر ملی توجه تام دارند بتجدید تعمیر آن امر دادند و در سنه ۱۳۲۵ هـ ق اتمام پذیرفت ، چون برای تاریخ تجدید عمارت ، کتیبه در نظر بود ، اما نزد مؤرخین و نویسندگان در سنه افول آن ستاره درخشان نیز اشتباهات واقع و نسبت سنگی که بر مزارش از ازمنه قدیم موجود است اختلاف رای وجود داشت ، که اکثر مطابق سنگ مزار سنه آن را (۵۲۵) نگاشته اند . و جمعی از دیگر سنوآت را اتخاذ کرده اند که اینک آنهمه را مینگارم :-

الف : مخالفین سنه ۵۲۵ :-

۱ - دولت شاه سمرقندی در تذکره خود ، و شمس الدین سامی

۵۷۶

در قاموس الاعلام

۵۹۰

۲ - صاحب جمع الفصحا

۵۴۶

۳ - مؤلف ریاض العارفین

۴ - حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده مینویسد که تا زمان سلطنت بهرام

۵۴۵ - ۵۱۱

شاه در قید حیات بود

۵ - مؤلف تاریخ فرشته مینویسد که حدیقه را در ۵۲۵ تمام کرد ..

۵۴۵

۶ - تقی الدین کاشی

۷ - دانشمند معاصر آقای خلیلی بمناسبت تجدید مزارش راجع بشرح حال و آثار و محیط آن حکیم بزرگوار جامع نکات و مطالب مفصله کتابی بنام حکیم سنائی تالیف نموده که در سنه ۱۳۱۵ هـ ش در مطبع کابل طبع شده اینهمه اختلافات را آورده مینگارند: «با تفاق تذکره نو پسان معاصر ما در ۵۴۵ رحلت نموده» اما بنظر یه خویش صحت کامل آن را مصدق نشده اند (۱).

ب مو افقین سنه ۵۲۵

۵۲۵

۱ - مولینا جامی رح درنجات

۵۲۵

۲ - دارا شکوه در سفینته الاولیا

۵۲۵

۳ - مؤلف خزینة الاصفیا

۵۲۵

۴ - حاجی خلیفه در کشف المظنون

۵۲۵

۵ - امین احمد رازی بقول اصح میگوید

نظر باین اختلافات که در مورد همچو بزرگان بیشتر واقع است نگارش معاصروشا گرد نامیش محمد بن علی بن الرقانام که بحکم بهرام شاه حدیقه او را مرتب نموده بوده و در دیباچه آن کتاب وفاتش را بعد از نماز روز یکشنبه یازدهم شعبان سنه پانصد و بیست و پنج نوشته که بر طبق سنگ مزار و نگارش بیشتر محققین و احمد رازی که در تحریری خود لفظ اصح را می افزاید، وثابت است مؤخذ موثوقی در نظرش رسیده.

در صحت سنه ۵۲۵ حاضر آمد بدی نماید

از آنجا که قبلبرین بنده رانیز این کثرت اختلافات معتقد سنه ۵۴۵

(۱) آقای دانشمند، سید سلیمان ندوی در جلد ۳۱ رساله معارف نمبر ۳، ماهوار علمی دارالمصنفین اعظم گنده در صفحه ۱۹۶ راجع بحضرت حکیم مینویسد از همین ماخذ منتذکره تجاوز نمینماید و سنه دیگری مذکور نمیسازد و از سنگ مزار نام نمیبرد بلکه یکی از سنوات مذکوره اظهار اطمینان نکرده و از تحریری محمد بن علی بن الرقانام ذکر نمینماید گفته میتوانیم تا آنوقت برایش کشف نشده و از آن بی اطلاع بوده.

ساخته بود و بدان ملاحظه قطعه نوشته بودم که در جرائد و مجلات نشر گردید و قطعه که برای تجدید عمارت لازم بود هم نوشته و سنه وفات را مطابق عقیده اولین خود قید نموده بودم، درین وقت که از حضور اعلیحضرت هما یونی تحریر و حک قطعه کتیبه عمارت در سنگ منظور گردید و تجدید نظر لازم افتاد و بقرار دلایل که گذشت سنه ۵۲۵ مقرون بحقیقت ثابت شد قطعه دیگری از تردید قطعه اولین و قابل بودن به صحت سنه ۵۲۵ ساخته و سنه وفات را در قطعه کتیبه عمارت که ۲۲۵ بیت بود هم مطابق سنه ۵۲۵ درج نمودم که بامر ملو کانه بر عایت کنج پیش سنگ ۱۷ بیت قطعه تاریخ عمارت بعد از طی ملاحظه از باب تاریخ و ادب کشور بشرکت حجاری و نجاری در سنگ سفید مناسب تحریر و حک و به قلاب های سنگ سیاه آراسته گردید، چون خبر انجام آن به سمع پادشاهی رسید باوجود علاات مزاج و عارضه رمد، خودشان بشرکت موصوف تشریف فرما شده و ملاحظه نموده امر بر کاری آن را بسپاری مخصوص داده فرمودند بعد انجام بر کاری هیستی (که در آن این بند را نیز عز شاملیت بخشیدند) لوحه را برده و نصب نمایند درین روزها بر کاری آن خاتمه یافت و موضوع از طرف حافظ نور محمد خان معین و کفیل دارالتحریر شاهی بحضور ج ع ج ۱۱ نشان و الاحضرت صدر اعظم صاحب سپهسالار غازی و کیل اعلیحضرت هما یونی عرض شد و الاحضرت مطابق فرمایش پادشاه معظم کفیل سر منشی و بنده و و کیل غزنی در شورای ملی و مدیر تعمیرات ارک شاهی و معمار باشی و سنگ تراش باشی را تعیین فرمودند تا سنگ مذکور را بمقام موصوف رسانیده و نصب نمائیم.

بناءً بروز سه شنبه ۲۸ جدی ۱۳۲۸ روانه شده و ساعت یک و نیم روز مد کور که وارد غزنی شدیم از طرف حاکم اعلا و عده از مامورین بگر مجوشی استقبال شده و بعد صرف طعام بزبارت حضرت سنائی مشرف و پس از دقت در محل نصب سنگ، با اتفاق آرا جای لوحه را فراز مرقد مبارکش معین نمودیم و نفر کار مشغول انجام آن شده ساعت ۱۰ روز پنجشنبه اول دلو که کار آن تکمیل

یافته بود تمام هیئت با حاکم اعلا و مامورین و علما و سادات و روحانیون و جم غفیری از اهالی مشرف مزار گشته اولاً کفیل سرمنشی از شخصیت برجسته و تاریخی و نام درخشان آن مرد قامی و توجه ذات همایونی در خدمت همچو ذوات بیانیه دادند، بعداً حاکم اعلا ی غزنی نیز در آن باره آغاز سخن کرده و از حکومت علم دوست و پادشاه وطن پرور که بحفظ نام و آثار بزرگان توجه خاصی دارند سخن خود را بیابان رساند و پس از آن و کیل غزنی در شورای ملی از طرف خود اصالة و از طرف تمام مردم غزنی و کالة بیانیه غرائی مبنی بر مختصر ذکر حال آن بزرگوار و شکر گذاری از توجه حضور ملوکانه دادند و اخیراً از طرف علما یکنفر عالم جید بر خاسته را جمع بمقام اهل علم و عرفان و بزرگواری حضرت سنائی رح و قدردانی حکومت بیان کرده و بدعای سلامتی و عودت مع الخیر اعلی حضرت همایونی و دوام رفاه و آسودگی و ارتقای حکومت و ملت افغانستان بیانیه خود را خاتمه داد و از طرف حصار به نشاط روحی و آمین آمین استقبال گردید.

و اهالی از نهایت ذوق و مسرت نقل و افرونان های روغنی و کلچه های وطنی بسیار آورده و به شکر گذاری پیش هوا واقع بنمازیم و تقسیم کردیم، بعد از تقسیم شیرینی و نان، اهالی با حرارت بسیار با یک یک نفر هیئت وداع نمودند اینک رویداد را لزوم دانسته نوشتیم و برای اینکه از نگارش سنگ قدیمه و قطعات فوق الذکر و لوحه مرتبه از مطالعین محترم مطلع باشند آنهمه را ذیلانگاشته و نیز از گراور لوحه جدید انظار شائقین راضیا افروز میگردانم :-

۱ سنگ های قدیمی

الف: پارچه اول که کوچک است و بصورت عمودی بر روی قبر نصب میباشد و در آن از سال وفات حضرت حکیم چیزی ذکر نیافته و تنها همینقدر بر آن نقش است «هذا قبر فقیر الی رحمت الله مجدود السنائی غفر الله له»

ب: سنگ دوم که بر روی قبر خوابانده است و آیه الکرسی شریف و درود و ابیات بلغ العلی در آن تحریر است سال وفات را باین عبارت قید کرده

« كان وفات الشيخ العالم الفاضل شمس العارفين قطب المحققين طوطى
شكرستان فصاحت بلبل بوستان بلاغت مظهر اسرار معانى مكنونه مطلع انوار
الفاظ فكر به [تراهاً فتراب وادى بوادى ؟] يعنى مجدود الدين السنائى
سنه خمس وعشرين وخمسّماته »

۲ قطه اول كه حاوى بر سنه ۵۴۵ سال رحلت اشاعه يافته بودوا كنون بر طبق
سنه ۵۲۵ تبديل يافته

قافله سالار حكمت يكه تا ز معرفت

كشور فضل و علوم و جهد و تقوى را امير

در شريعت بو مطيع وابن ميمون را عديل

در طريقت با يز يد و شيخ شبلى را نظير

پند او در گوش تا نابه ز در شاهوار

وعظ او در طبع هر فردى گوارا همچو شير

نثر او ماء معين و نظم او سلك گهر

آن خرد در ارواح بخشاوين روان را دلپذير

آن عزيز معنوى يعنى حيكس عزيزى

پرويشگاه علوم ايرانى و آدم حضرت مجدود ابوالمجد شهير

پرتو سيناي عشق و معرفت چون بوده است

يافته شهرت سنائى نزد سلطان و فقير

بلبل طبعش ندای ارجعى را چون شنيد

پرفشان شد زين قفس در باغ جنت زد صفير

شد با بجد قيد سال رحلتس (در ياي فكر)

۵۲۵

ور بسا تاريخ و لوح قبر آن شيخ كبير

ليك از بعض روايت اشتبا هي شد پديد

زان سبب در شبهه افتادند يك جم غفير

تابان حدى كه من هم بيگمان پنداشتم

سال اصل وصل رازين يشيتر (مهر منير)

۵۴۵

ثانیاً تحریری شاگرد مشهورش رقا
در کتابی شد بار باب تتبع دستگیر
بود آنجا مثل سنگ قبر هم (بدر طریق)
۵۲۵

کرد تائید همان قول نخستین شهیر
چون محقق کشت سال فوتش (استاد جهان)
۵۲۵

حسب سنگ مرقد و مرقوم آن مرد خبیر
زان جهت بنوشتش تاریخ در بیتی خلیل
استعانت جست تا از روح آن روشن ضمیر
[مهر گردون] و [عجیب گیتی] و [هادی شهر]
[سنگ قدر افرا] و [شاگرد] [صفای قلب] [پیر]



هر يك از بين جملات
شکانه جدا جدا حاوی
عدد ۵۲۵ سنه رحلت است
۳ - قطعه دوم مشتمل بر ۲۲ کاه علوم
بیت که ۱۷ بیت آن بوقف
کنجا یش در سنگ ارقام
یافته و در اینجا بر سر ابیات
مذکور اعداد داده شده و عکس
لوحه نیز از ملاحظه میگذرد :-

- ۲- دایل راه هدی شمع محفل عرفا
 سر آمد فضلا بهر یاب حسن مال
 بچرخ دانش و تحقیق نیر اعظم
 بعلم و فضل و ادب بدر آسمان جلال
 سدید نطق و رفیع الهمم نظام النظم
 دقیق فکر و حقیقت نگار و صاحب حال
- ۳- حکیم حاذق ابوالمجد حضرت مجدد
 سنائی بن آدم منابع افضال
 زیوسف همدانی فروغ روحانی
 نمود کسب چنانی کنز آفتاب هلال
- ۴- نگارش قلمش گوهر بحور علوم
 نیر اوش رقمش لو لوی محیط نوال
 بروح پاک و دل صاف و عز نفس و دروغ
 چو علم و حکمت خود در جهان نداشت مثال
 سبوی سینه اش از عین معرفت لبریز
 پرتال جامع علوم انسانی
 صراحتی دلش از راح عشق مالا مال
- ۵- کمیت خامه بمیدان مدحتش اعرج
 بوصف علو مقامش زبان ناطقه لال
- ۶- بمشرق از افق غزنه شعشه انداخت
 چو خور گرفت جهان را ز نور دورته بال
- ۷- ز اوج عظمت غزنه اگر چه کاست چو بدر
 قصور ملک کشایان صاحب اجلال
- ۸- ولیک ابهت آثار این محقق حق
 مشعشع است چو شمس النهار تبا الیحال

- ۹- امید هست که تابنده تر شود هر روز
- الی قیام قیامت مصون بود ز زوال
- ۱۰- (بیان صد و دوده و پنج آن عزیز نماند) (۱)
- شده است مصرع بالا دو طور حاوی سال
- ۱۱- رسد بروح شر یفش هزارها رحمت
- بهر دقیقه زدر گساره این د متعال
- ۱۲- بمهد راحت جسمانی پیش زمبدا فیض
- نزول نور شود بسیار لغد و الاصال
- ۱۳- فراز مرقد پر فیض او بنا کردند
- عمارتی بسزا ر فتگهان فرخ فال
- ۱۴- چو از مرور زمان رو با نهادم آورد
- بمهد شاهی ظاهر شده خجسته خصال
- ۱۵- نمود امر بتجدید این بنای رفیع
- که همسرش نتوان طرح کرد کلک خیال
- ۱۶- گرفت صورت انجام حساب احکامش
- پرویش با احتشام و شکوهی که شرح اوست محال
- ۱۷- ز سال ختم بنایش نگاشت کلک خلیل انسانی
- (مقام فضل الهی و قبله اعمال)

۱۳۵۲ ه ق

این است که تفصیل ترتیب و نصب لوح و تاریخ تعمیر جدید مزار این شیخ بزرگوار را با اختلافاتی که در تاریخ رحلتشان بین طبقات مؤرخین وجود دارد بمنصه اشاعه و معلومات مطالعین گذاشته و مجدداً نزول فیض و رحمت الهی را با رواج مبارکش بیاز میدارم

محمد ابراهیم خلیل

۵ دلو ۱۳۲۸ ش

(۱) قبلاً که معتقد ۵۴۵ بیشتر بودم مصرع مذکور چنین بود که در ثانی تبدیل گردید به پانصد و چهل و پنج آن عجبیه نماند